

واکاوی جایگاه شیعیان در تحولات سیاسی کویت

دکتر اصغر منتظر القائم^۱

معصومه بندانی^۲

چکیده

رستاخیز شیعه در میان شیعیان خلیج فارس نوعی اعتراض به محرومیت هایی بود که در طول تاریخ همواره بر آنان تحمیل شده بود. در جامعه کویت نیز عقاید سیاسی موجود در میان شیعیان طیفی را در بر می گیرد که از نگرش های چپ گرا، لیبرال، سکولار تا ایدئولوژی محافظه کار اسلام گرا امتداد دارد. و علیرغم این تنوع گرایش ها، شیعیان کویت از طیف های مختلف با ایجاد گروه ها و تشکل هایی، به دنبال احقاق حقوق از دست رفته خود بوده و با این که شیعیان بیش از ۳۰ درصد از جمعیت کویت را تشکیل می دهند ولی تا چند سال گذشته حق دخالت در امور سیاسی و اجتماعی کویت را نداشتند. اما سرانجام با پافشاری و ایجاد تشکیلاتی منظم برای پیگیری خواسته های خود، سرانجام توانستند در مسائل سیاسی و اجتماعی کویت نقشی هرچند کم رنگ ولی امیدوار کننده داشته باشند البته باید اذعان داشت که ایدئولوژی مذهبی شیعی در کویت از انقلاب اسلامی ایران متأثر بوده است. بر این اساس هدف اصلی این مقاله واکاوی جایگاه شیعیان در تحولات سیاسی کویت می باشد در ضمن روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: کویت، شیعیان، تحولات سیاسی، انقلاب اسلامی ایران.

۱. دانشیار و عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

۲. کارشناسی ارشد شیعه شناسی دانشگاه اصفهان.

در میان کشورهای حوزه خلیج فارس، مردم کویت از آگاهی و رشد سیاسی و سطح علمی خوبی نسبت به سایر کشورهای عرب برخوردارند. وجود مطبوعات گوناگون و امکان اظهار عقاید مختلف زمینه مناسبی جهت رشد افکار و ارتقاء سطح فکری جامعه فراهم نموده است. کشور کویت به دلیل وجود و حضور گروه های مختلف سیاسی و مذهبی با گرایش های مختلف، دارای فضای نسبتاً باز سیاسی می باشد. انقلاب اسلامی ۱۹۷۹م ایران که با افزایش آگاهی افکار عمومی و بیداری جامعه شیعیان کویت، موجب رشد فعالیت های سیاسی در میان شیعیان کویت شد؛ احیای پاره ای از حقوق از دست رفته شیعیان کویت را سبب شد. کویت که حضور و فعالیت های گروه های مختلف را در جامعه کویت می پذیرد علیرغم ممنوع بودن فعالیت رسمی احزاب در این کشور، نباید نقش و اهمیت طبقه روشنفکر حاکم را نادیده گرفت زیرا در صورت عدم وجود این طبقه، هرگز اقلیت شیعه امکان دستیابی به مقام های نسبتاً حساس و مهم را در جامعه کویت و حداقل در زمینه مسائل سیاسی پیدا نمی کردند.

جغرافیای تاریخی کویت

کویت در اوایل سده ۱۸ م. توسط طایفه عنیزه که قبیله ای از اهالی نجد بودند تاسیس شد. این طوایف در اواخر سده ۱۷ م. به تدریج از نجد به سواحل خلیج فارس مهاجرت کردند. خاندان صباح که در سال ۱۷۱۰ به علت خشکسالی از نجد فرار کردند به همراه خانواده های دیگری به زوباره در ساحل غربی قطر رفتند اما بدلیل شرایط نامساعد آن جا، به شمال کویت کوچ کردند. هنگامی که بنی عتوب وارد کویت شدند با جامعه کوچک بنی خالد رو به رو شدند. احتمال می رود که قوم بنی خالد در آن جا دژی ساخته باشند که نام کویت یعنی مصغر کلمه "کوت" یا "دژ" از آن گرفته شده است. حمایت بنی خالد از کویت، در ترقی و پیشرفت آن به عنوان یک شهر تجاری نقش عمده ای داشتند. در این زمان آن چه موجب رونق تجارت کاروانی کویت با حلب و بغداد و تجارت غیر قانونی با عثمانی می شد؛ وجود لنگر گاه های طبیعی در کویت

بود (کریستال ، ۱۳۷۸ : ۳۵ - ۳۳). کشور کویت با مساحت ۱۷۸۱۷ کیلومتر مربع (و به روایتی ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع) و جمعیت حدوداً دو میلیون نفر (و به روایتی ۲/۳۰ میلیون نفر) جزو کشورهای کوچک طبقه بندی می شود. از آن جا که فعالیت های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و غیره پیرامون شهر کویت می چرخد از نظر مساحت و جمعیت می توان مفهوم دولت - شهر را بر کویت اطلاق کرد. از طرفی موقعیت جغرافیایی کویت و هم مرزی با کشورهای بزرگ منطقه چون ایران ، عربستان و عراق مشکل بقا و امنیت را به صورت بزرگ ترین و مهم ترین مشکل مبتلا به کویت درآورده است. کویت سرزمینی است مسطح و بیابانی که سطح آن را ماسه پوشانده است. ناحیه شمالی کشور با تپه ای که به صورت پراکنده در آن وجود دارد ، متمایز می شود. این تپه ها با نزدیک شدن به ساحل ، شکل زنجیره ای متصل در طول ساحل شمالی به خود می گیرد که نام «جان الزور» بر آن اطلاق می شود. ارتفاع این تپه های زنجیره ای شکل به حدود ۱۴۵ متر می رسد و به بیابان «ام الرمم» ختم می شود. در کویت عوارض طبیعی چون کوه و رود وجود ندارد (فیلی رودباری ، ۱۳۳۵ : ۱۷ ، ۱). تنوع قومیتی در کویت امکان برقراری انسجام ملی را دشوار ساخته است. بر اساس آخرین سرشماری ها در اطلس جهانی ، جمعیت این کشور حدوداً ۱۹۹۹۱۱۱۵ نفر اعلام شد که حدوداً ۳۲٪ از آنان زیر ۱۴ سال ، ۶۶٪ جمعیت فعال بین ۱۵ تا ۶۴ سال و بقیه بالای ۶۵ سال دارند (متقی زاده ، ۱۳۸۴ : ۱۲۰ ، ۱۱۹) کویت با وجود وسعت کم ، یکی از بزرگ ترین کشورهای تولید کننده نفت جهان است. ذخایر نفتی این کشور هفتاد میلیارد بشکه تخمین زده می شود که بیش از سه برابر ذخایر نفتی ایالات متحده امریکا و ده درصد کل ذخایر نفتی جهان است (فیلی رودباری ، ۱۳۳۵ : ۴۱). همچنین ذخایر گاز طبیعی شناخته شده در کویت ۱۴۹۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده می شود (فیلی رودباری ، ۱۳۳۵ : ۴۶). اصولاً کویت تمام صادرات نفتی خود را از طریق تنگه هرمز انجام می دهد (متقی زاده ، ۱۳۸۴ : ۱۲۱). کویت دارای چهار بندر عمده است. دو بندر قدیمی یعنی مینا احمدی و مینا عبدالله که اختصاص به صدور نفت دارد. کویت دارای دو بندر جدید نیز به نام های شویخ و شعیبیه است (جعفری ولدانی ، ۱۳۷۴ : ۲۳۱). تجارت خارجی کویت از طریق بندر شویخ و شعیبیه و الاحمدی انجام می گیرد (حافظ نیا ، ۱۳۷۱ : ۲۷۴).

روند تاریخی استقلال کویت

اولین تماس رسمی کویت با انگلستان از سال ۱۷۷۵ م ایجاد شد که کمپانی هند شرقی نامه‌های خود را از طریق کویت با انگلستان رد و بدل می‌کردند. (کریستال، ۱۳۷۷: ۴۰) در سال ۱۸۹۹ م با توصیه کرزن که در آن زمان نایب السلطنه هند بود، بریتانیا معاهده‌ای سری با شیخ مبارک امضاء کرد و طبق آن کویت تحت الحمایه بریتانیا قرار گرفت (استندیش، ۱۳۸۳: ۲۵۰). قرارداد ۱۹۱۳ م که بین بریتانیا و عثمانی منعقد شد استقلال کویت را از عثمانی به رسمیت می‌شناخت و این سرزمین را به دو قسمت تقسیم می‌کرد: ۱- بخش شهر کویت که در آن شیخ کویت با خودمختاری حکومت می‌کرد. ۲- بخشی که شامل تمام قبیله‌ای موجود تحت فرمان شیخ کویت بودند و او می‌توانست همچون گذشته از آن‌ها مالیات دریافت کند. از سوی دیگر حکومت عثمانی در این قرارداد صحت تمامی قراردادها را که پیش از این، میان شیخ کویت و بریتانیا به امضاء رسیده بود تایید کرد و متعهد شد که به آن‌ها احترام بگذارد (استندیش، ۱۳۸۳: ۲۶۹). در آوریل ۱۹۲۳ با تلاش کمیسر بریتانیا در عراق موافقت نامه‌ای به امضاء رسید که بر اساس آن مرزهای تعیین شده در قرارداد ۱۹۱۳ توسط عراق به رسمیت شناخته شد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۳۰). سرانجام در صبح روز ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۱ در لندن و کویت نامه‌هایی میان امیر کویت (شیخ عبدالله سالم الصباح) و سر ویلیام لوس (مستول امور انگلیس در خلیج فارس) مبادله شد که این نامه‌ها متضمن مساله استقلال کویت و پایان زمان قرارداد ۲۳ ژانویه ۱۸۹۹ بود (سعید، ۱۹۶۸: ۳۰۵). شورای امنیت سازمان ملل در ماه مه سال ۱۹۶۱ با درخواست کویت مبنی بر پیوستن به این سازمان موافقت کرد و کویت صد و یازدهمین دولت در سازمان ملل گردید (گروه تحقیق مرکز مطالعات و پژوهش‌های کویت: کویت از پیدایش تا بحران، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

ساختار سیاسی کویت

نحوه توزیع و پراکندگی جمعیت‌های شیعی کشورهای خلیج فارس از جنبه‌های گوناگون اهمیت دارد. در برخی از این کشورها تجمع شیعیان در مناطق استراتژیک و به

ویژه مراکز نفتی سبب شده است نفوذ قابل توجهی در اقتصاد داشته باشند. حضور آن‌ها در کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها و مراکز تجاری درصد بالای احتمال اعتصاب و امکان فلج نمودن اقتصاد کشور را به همراه دارد و یا حتی دوری و نزدیکی به پایتخت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نزدیک بودن محل تمرکز آنان به مراکز سیاسی، از یکسو میزان آگاهی آنان را از حقوق شهروندی خویش بالا برده و از سوی دیگر بازتاب شورش و اعتراض آنان را گسترش داده، احتمال انتشار آن را به مراکز دیگر افزایش می‌دهد. این طرز تلقی موجب شده است تا دولت مردان برخی از کشورها همچون عربستان همواره بکوشند از تمرکز شیعیان در پایتخت‌ها و حواشی آن جلوگیری کنند. در برخی از این کشورها تجمع شیعیان را در مراکز تجاری شاهدیم. بنابراین شیعیان از موقعیت خاص تجاری و مرکزی استفاده لازم را می‌برند لذا بیشتر شهرهای شیعه نشین خلیج فارس به نوعی از موقعیت استراتژیک و مرکزی برخوردار و از این جهت حائز اهمیت هستند (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۸، ۱۶۷). ساختار سیاسی کویت از بین کشورهای منطقه در یک چارچوب عربی خلیجی به الگوی سیاسی دموکراسی غربی نزدیک تر است. علاوه بر مجلس امت، کویت با داشتن صدها دیوانیه (نوعی اماکن عمومی که در آن جلسات مردمی برگزار می‌شود) از زیر بنای وسیعی از نهادهای جامعه مدنی برخوردار است. از سوی دیگر انجمن‌های عام المنفعه گروه‌هایی تاثیر گذار در شکل‌گیری تصمیم‌ها سیاسی به شمار می‌آیند (فیلی رودباری، ۱۳۳۵: ۱۲۳). نظام حکومتی کویت از سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل شده است و مطابق قانون اساسی، این سه قوه از یکدیگر تفکیک شده اند اما در عمل، امیر کویت در هر سه قوه اعمال نفوذ می‌کند. وی ریاست قوه مجریه را به عهده دارد ضمن آن که در قوه مقننه و مجلس امت، نقش ریاست را ایفا می‌کند. افزون بر آن، حکم قضایی با نام وی صادر می‌شود از این رو در عمل، نوعی اختلاط قوا در نظام حکومتی کویت وجود دارد. در نظام سیاسی و حکومتی کویت، امیر، شخص اول مملکت است. امیر همچنین ریاست قوه مجریه، فرماندهی کل قوا، ریاست کشور و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. وی می‌تواند در امور مجلس دخالت کند و احکام قضایی به نام وی صادر می‌شود. علاوه بر آن، حق انحلال مجلس و اعلان جنگ تدافعی را نیز داراست. (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۲۱۸ - ۲۱۷). حکومت

کویت پادشاهی و حاکم آن امیری است که توسط اعضای مذکر و بالغ خاندان سلطنتی انتخاب می‌گردد. امیر؛ نخست وزیر و شورای وزیران را انتخاب می‌کند. پنج عضو مجمع ملی برای دوره ای چهار ساله با رای افراد مذکر بالغ و باسواد تبعه کویت انتخاب می‌گردند. خانواده رای دهندگان می‌باید حائز شرایط کامل اقامت باشند. هرچند در مجلس کویت هیچ حزب سیاسی وجود ندارد اما گروه بندی های غیر رسمی درون مجمع وجود دارند (کتاب سبز کویت، ۱۳۹۱: ۱۴۵). حکومت در کشور کویت در خاندان «الصباح» موروثی است و ولیعهد باید ظرف یک سال پس از تعیین امیر، با پیشنهاد وی و تصویب مجلس امت از میان افراد صلاحیت دار همین خاندان انتخاب شود. ولیعهد و امیر کویت همواره پسر عمو هستند بنابراین هرگاه امیر از یک خاندان باشد، ولیعهد باید از خاندان دیگر باشد. نخست وزیر و معاونان وی را امیر انتخاب می‌کند و ورای وزیران پس از معرفی از سوی نخست وزیر، به تایید امیر می‌رسند و او فرمان تشکیل کابینه را صادر می‌کند. نمایندگان مجلس با رای مردم و مقامات عالی قضایی از سوی امیر انتخاب می‌شوند. امیر همچنین در مقام فرمانده کل قوا، مقامات عالی نظامی را بر می‌گزیند (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

نقش موقعیت استراتژیکی خلیج فارس در گسترش فعالیت های شیعیان

باید توجه داشت که محل تجمع شیعیان منطقه خلیج فارس از چند ناحیه قابل توجه است: ۱. به لحاظ دوری و نزدیکی به پایتخت، ۲. به لحاظ دوری و نزدیکی به مرزها، ۳. قرار گرفتن در مراکز نفتی و استراتژیک، ۴. واقع شدن در مراکز زیارتی و مهاجر پذیر، ۵. قرار گرفتن در مراکز تجارتی (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۸). بطور کلی مراکز سیاسی کشورها از لحاظ تمرکز تشکیلات دولتی و سازمان های اداری و شرکت های تجاری اخلی و بین المللی، و نیز وجود رسانه های گروهی و فضای باز سیاسی و تبادل اطلاعات موقعیت مرکزی دارند لذا تمرکز شیعیان در پایتخت ها یا حواشی آن ها به عنوان عاملی تنش زا از سوی دولت ها تلقی شده است. این طرز تلقی باعث شده تا برخی از دولت ها از تمرکز شیعیان در پایتخت ها و حواشی آن جلوگیری کنند. با این حال بسیاری از دولت

ها و به این نتیجه رسیده اند که برای برقراری امنیت به ناچار باید از جمعیت های محلی و به ویژه شیعیان بهره برد. در عمان، عراق، بحرین، امارات، کویت و قطر شیعیان در مناطقی زندگی می کنند که از مهم ترین مراکز نفت خیز منطقه به شمار می آید (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۰ - ۱۵۹). در میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مردم کویت به دلیل موقعیت استراتژیکی کشورشان از آگاهی و رشد سیاسی و سطح علمی خوبی نسبت به سایر کشورها برخوردار رند. وجود مطبوعات گوناگون، امکان اظهار عقاید مختلف و سابقه ی وجود مجلس امت که تجربه برخورد افکار مخالف و متضاد را از سر گذرانده است زمینه مناسبی جهت رشد افکار و ارتقاء سطح فکری جامعه فراهم نموده است. در این کشور احزاب سیاسی رسمی و یا غیر رسمی وجود ندارند. جمعیت های سیاسی و مذهبی تحت پوشش مسائل مذهبی و اجتماعی می توانند فعالیت های سیاسی داشته باشند. تعدادی از این دسته جات و گروه ها دارای مجلات و نشریات هفتگی یا ماهانه نیز می باشند (کتاب کویت، ۱۳۹۱: ۱۵۲، ۱۵۱). در این میان توزیع جمعیتی ساکنان کویت نشان می دهد که شیعیان به طور کلی خواهان اقامت در مناطق ومحلات شیعه نشین هستند بطوری که در این مناطق اکثریت را تشکیل می دهند. واز معروف ترین مناطق پرتراکم شیعیان تا قبل از پیدا شدن نفت منطقه شرق وبنیت القار می باشد. بعد از فعالیت هایی که دولت برای استفاده از نفت و درآمدهای حاصل از آن به عمل آورد بیشتر شیعیان به مناطق جدیدی چون؛ قادسیه، منصوریه، دعیه، دسمه، رمیثیه، سالمیه، حولی، وجابریه منتقل شدند. مشخصه این مناطق گسترش مساجد مختص شیعیان وحسینیه ها است، به طوری که تعداد مساجد شیعیان به بیش از ۲۸ مسجد و ۶۰ حسینیه می رسد. (المدیرس، ۱۹۹۹: ۸). علیرغم این که رژیم کویت با وجود آن که میزان بالایی از آزادی های شخصی و اجتماعی را برای شیعیان فراهم می سازد اما مرزهای را نیز ترسیم می کند که دسترسی کامل شیعیان را به نهادهای حکومتی محدود سازد. جامعه کویت که سنیان بر آن غلبه دارند از این که شیعیان بیش از اندازه به ایران نزدیک اند می هراسند. از لحاظ اجتماعی نیز این نگرانی وجود دارد که ممکن است شیعیان از مرزهای خود پای فراتر نهند لذا سنی های محافظه کار و وهابی ها با نگرانی مراقب شیعیان هستند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۵، ۳۲۴). احیای تشیع

که در دهه ۱۹۶۰ بعد فعال سیاسی به خود گرفت شکلی از احیای اسلام سیاسی به صورت کلی است و با احیای اسلام سنی در برخی از مقاصد و اهداف سهیم است. لذا احیای شیعی را می توان ناشی از احساس قوی بی حرمتی و محرومیت از حق رای دانست که شیعیان به طور خاص تجربه کرده اند. اسلام گرایی شیعی بر خلاف اسلام گرایی سنی، از آغاز از مولفه قدرتمند رهبری روحانیت برخوردار بوده است. این امر نتیجه طبیعی نقش برجسته ای بود که علما در هدایت جامعه ایفا می کرده اند. از عواملی که موجب احیای تمایلات شیعی شد می توان به موارد زیر اشاره نمود: تجدد و ایدئولوژی های غربی، شکست حکومت های عرب در مسئله فلسطین و انشقاق در جامعه که به دنبال گسترش شهرنشینی و دیوانسالاری غیر سودمند پدید آمد. احیای شیعی در زندگی جامعه شیعه با ویژگی هایی ریشه دارد از جمله: انزوای دیرین سیاسی، محدود کردن آزادی های مذهبی از سوی حکومت، تضعیف آزادی عمل و استقلال مالی نهادهای مذهبی و تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۶۷، ۶۶). در برخی از کشورها شیعیان در تلاش بوده اند ضعف سیاسی خود را با مشارکت در اقتصاد کشور جبران کنند اما در برخی از مناطق حتی از فعالیت موثر در اقتصاد نیز عقب رانده شده اند و در مناطق روستایی و دور افتاده به کشاورزی و دامپروری مشغول اند. (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۸). اما موقعیت شیعیان کویت نشان دهنده نمونه ای موفق و نقطه ای درخشان در وضعیت شیعیان عرب منطقه خلیج فارس است. شیعیان کویت در قیاس دیگر جوامع شیعی منطقه خلیج فارس از رفاه بیشتری برخوردارند. آنان که ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند به ندرت با آزار و اذیت آشکار در سطوح رسمی یا اجتماعی مواجه اند. آنان در عمل به تشیع آزادند و به طور آشکار شعار خود را برگزار می کنند و با این حال وضعیت اقتصادی و فرصت های شغلی شان از شیعیان دیگر بخش های خلیج فارس بهتر است. در کشور کویت، مشارکت اجتماعی و سیاسی شیعیان در حد بالایی است. مهم تر از همه این که شیعیان یه کشورشان احساس وابستگی کرده، خود را در آینده آن ذی نفع می دانند. (فولر، فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۰۹)

شیعیان کویت و گرایش های مختلف مذهبی آنان

جامعه شیعیان کویت شامل چهار گروه عمده بود: سلاله عرفی ساکنان اولیه بحرین؛ مهاجرینی که از حصه واقع در عربستان شرقی به آنجا آمده بودند؛ عرب های شیعه که در ابتدا از عربستان به ایران مهاجرت کرده و دوباره برگشته بودند؛ و بزرگترین گروه ایرانی هایی که در خود ایران ریشه داشتند. گروه اخیر به زبان فارسی صحبت می کردند و پیوندهای تجاری و خانوادگی شان را با ایران حفظ کرده بودند. یکی از افراد برجسته خانواده های کویتی ایرانی شیعه، یوسف بهبهانی بود که در دهه ۱۹۳۰ به حمل اجساد ایرانیان به عراق، از طریق کویت برای دفن در جوار عتبات عالیات اشتغال داشت. (کریستال، ۱۳۷۷: ۶۹).

شیعیان در کویت به چهارمدرسه مذهبی تقسیم می شوند:

۱- شیخیه: نسبتش به شیخ احمد بن زید الدین أحسائی می رسد که دیدگاه مقدسی در مورد اهل بیت دارد، آن ها معتقدند که خدا اهل بیت را مورد فیض قرار داده و به آن ها اجازه داده که روزی مردم را توزیع کنند، اما الآن این اعتقاد دیگر رایج نیست، و هم اکنون به آن ها درکویت به اعتبار میرزا حسن احقاقی، جماعت میرزا اطلاق می شود، که او ملیت کویتی دارد و امامشان می باشد و مرکز تجمع شان مسجد امام صادق در مرکز پایتخت است. وبیشترین مقلدان شیعه آن ها کسانی هستند که از احساء به کویت مهاجرت کرده اند، و معروف ترین خانواده های این جماعت؛ آریش، خریبط، الشواف، والوزان هستند. جماعت میرزا و رهبری مذهبی آن به دلیل اتخاذ مواضع بی طرفانه در قبال رویداد های سیاسی منطقه ای و بین المللی مورد انتقاد دیگرمدارس شیعیه کویت قرار گرفته است.

۲- اخباریه: و آن ها بحرینی و از مقلدان میرزا ابراهیم جمال الدین هستند که پیشوای شیعیان بحرینی به شمار می رود. مهم ترین خانواده های وابسته به این جماعت خانواده های؛ قلاف، خیاط، مکی، جمعه، حاجی حامد می باشند.

۳- اصولیّه: این مکتب معتقد است که حدیث نبوی باید موضوع مطالعه و بررسی باشد و نباید بر آن ایراد و اشکال گرفت، این مکتب علاوه بر شیعیان کویت در بین شیعیان عراق، ایران و لبنان نیز رواج دارد.

۴- خوئیّه: که بقیه شیعیان کویته ایرانی تبار را شامل می شود، و آن ها از مجتهد سید ابوالحسن خوئی که در نجف زندگی می کرد تقلید می کنند، مساجد زین العابدین، مقامس، ونقی از مرکز تجمع این گروه در کویت به شمار می رود. مهم ترین خانواده های منتسب به این جماعت خانواده های: موسوی، قبازر، دشتی، اشکانی، بهمن، بهبهانی، ومعرفی هستند. (المدرس، ۱۹۹۹: ۸ - ۷).

فعالیت های سیاسی شیعیان کویت و احزاب شیعی

علل گوناگونی شیعیان کویت را به فعالیت سیاسی واداشت از جمله: بروز انقلاب ایران که الهام بخش و حامی حرکت سیاسی شیعیان در همه نقاط جهان بود، قلع و قمع حزب حزب الدعوه عراق که فرار بسیاری از اعضای آن به کویت را در پی آورد، پیدایش جنبش های اسلام گرای امل و حزب الله در لبنان، و بالاتر از همه حمایت شدید حکومت کویت از عراق طی جنگ ایران و عراق. نقشی که شیعیان کویت طی جنگ خلیج فارس در مقابل صدام ایفا کردند تغییر شگرفی در وضعیت آنان پدید آورد و به پذیرش مجدد و بازگشت آنان به درون جامعه کویت - و از جمله نظام سیاسی - انجامید. در زمان حمله عراق به کویت بسیاری از سنیان ثروتمند کویت برای گذراندن تعطیلات در خاج از کشور به سر می بردند لذا در این زمان تعادل جمعیتی کشور به نفع شیعیان به هم خورد و شیعیان در مقابل هجوم قوای عراق به شدت ایستادگی کرده و بسیاری از شیعیان به دست قوای اشغالگر عراقی کشته شدند یا به زندان افتادند. در این میان ابراز میهن دوستی شیعیان دو نتیجه در بر داشت: ۱. تردید سنیان را درباره وفاداری شیعیان به کویت کاهش داد ۲. میان جوامع سنی و شیعی همبستگی برقرار ساخت. در واقع تجربه دشوار و مشترک اشغال کویت از سوی عراق، چنان احساس ملیت گرایی را در میان کویته ها قوت بخشید که امروزه نظیر آن را کمتر در کشورهای عربی می توان

یافت. بازتاب این اتحاد ملی آن بود که بلافاصله پس از جنگ خلیج فارس، شیعه و سنی مشترکا خواستار احیای قانون اساسی و مجلس ملی شدند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۰). به دلیل ساختار دموکراتیک کویت، شیعیان با سازماندهی فعالیت های سیاسی خود و تشکیل احزاب در ساختار سیاسی کشور نقش آفرینی می کنند (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۳). جنبش های شیعیان کویت، مرکب از عرب زبان ها و ایرانیان مقیم این کشور هستند که تفاوت های نژادی و گرایش های سیاسی مختلف باعث اختلافاتی میان آن ها شده بود اما پس از انتخابات دهمین دوره مجلس ملی، به وحدت نسبی رسیدند (حیدری، ۱۳۸۳: ش ۱۵۲). مهمترین تشکیلات شیعیان در کویت عبارتند از: ۱. حزب الدعوه: تشکیلات حزب الدعوه متأثر از مرکزیت این حزب در عراق بود. از آنجا که طبق قانون اساسی کویت، وجود احزاب در این کشور مشروعیت ندارد، این مجموعه به صورت غیر علنی و در قالب فعالیت های مذهبی و اجتماعی محدود به کار خود ادامه داد. تشکیلات این حزب مستقل از مرکزیت آن در عراق فعالیت می کرد. ۲. انجمن دانشجویان شیعه: دانشجویان شیعه دانشگاه کویت در رقابت با سایر گروه های سیاسی فعال در دانشگاه در انتخابات انجمن دانشجویی در دهه هفتاد اقدام به تشکیل گروه خاصی نمودند که اعضای این گروه با توجه به زمینه های قوی مذهبی، بعد از پیروزی انقلاب به پیروی خط امام روی آوردند. با ایجاد شکاف در میان شیعیان و با تشدید فعالیت جماعت شیرازی در میان شیعیان و تشدید فعالیت این جماعت در دانشگاه، گروه مزبور به دو قسمت به نام های قائمه الاسلامیه الحره (خط امام) و قائمه الحره (جماعت شیرازی) تقسیم شده و اختلاف فیما بین موجب تنزل شیعیان به رده های آخر جدول در انتخابات انجمن دانشجویان دانشگاه کویت گردید. ۳. جمعیه الثقافیه الاجتماعیه: در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان پیرو خط امام که در فعالیت های سیاسی، از سوی دولت تحت فشار بودند اقدام به تشکیل انجمن فرهنگی - اجتماعی تحت عنوان جمعیه الثقافیه الاجتماعیه نمودند که در قالب آن به جذب جوانان و فعالیت های عقیدتی - سیاسی مبادرت می شد. تحرکات این گروه در سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ به اوج خود رسید. در سال ۱۳۶۶ با دستگیری گروهی از شیعیان وابسته به این گروه، شورای اداری آن منحل و دولت گروه جدیدی را که وابسته به دولت بودند به

عنوان اعضاء شورا تعیین و عملا این انجمن تعطیل شد. ۴. ائتلاف الاسلامی الوطنی: این گروه در سال ۱۳۷۰ بعد از آزادی کویت با ائتلاف جناح های مختلف شیعه تشکیل گردید. هدف از تشکل این گروه سازماندهی فعالیت های سیاسی شیعیان در انتخابات سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۳) مجلس الامه بود. این ائتلاف با توجه به جو موجود و روحیه همکاری ناشی از صدمات جنگ توانست از وحدت نسبی بهره برداری و ۵ نفر از شیعیان را بعنوان نماینده وارد مجلس هفتم نماید. این ائتلاف پس از انتخابات به علت اوجگیری اختلافات شیعیان عملا از هم پاشید و اکنون وجود خارجی ندارد (سیفی، ۱۳۸۶: ۷۵، ۷۴).

اوضاع مذهبی و اقتصادی شیعیان کویت

از لحاظ قانونی، قانون اساسی کویت برطبق آنچه که به اسم آزادی ادیان تدوین شده به شیعیان حق انجام آزادانه مناسک و مراسم های مذهبی را می دهد. و دولت از انجام فعالیت های مذهبی که براساس عادت های مرسوم باشد و نظم عمومی را بر هم نزند و مخالف با عرف جامعه نباشد حمایت می کند (ناصر، ۲۰۱۱: ۱۵۸). مهمترین پدیده های مثبتی که می توان در این رابطه به آن ها اشاره کرد شامل:

* شیعیان کویتی در مورد مسائل و امور شخصی مانند شیعیان بحرینی به دادگاه های اولیه شیعه جعفری و استیناف مراجعه می کنند، همچنین در سال ۲۰۰۳ دولت موافقت کرد که شیعیان در مسائلی مانند آن به دادگاه های عالی جعفری مراجعه کنند.

* شیعیان در کویت به طور آزادانه مراسم مذهبی خود را انجام می دهند، و در ساخت و برپایی مساجد و حسینیه ها حتی در محله های سنی نشین از آزادی برخوردارند و به همین دلیل تعداد مساجد شیعیان در کویت به ۵۶ مسجد می رسد به اضافه ۱۱۶ حسینیه، گرچه طبق منابع دیگر تعداد مساجد شیعیان در کویت ۳۵ یا ۳۸ مسجد می باشد، و به طور کلی نمی توان تعداد مساجد شیعیان کویت را به طور دقیق معین کرد چرا که تعداد آن ها با توجه به زمان تغییر می کند.

* برخی از افراد خانواده حکومتی کویت بسیار علاقمند به زیارت حسینییه ها در مناسبت های شیعیان ویژه در روز عاشورا هستند.

* بعد از این که دسته های عزاداری حسینی در کویت ممنوع شد در سال ۲۰۰۶ حکومت با برپایی دسته عزاداری در رمثیه موافقت کرد و حمایت امنیتی از آن به عمل آورد و در سال ۲۰۰۳ حکومت کویت هیئتی برای اداره اوقاف جعفری و نظارت بر آن تاسیس کرد (ناصر، ۲۰۱۱: ۱۵۹).

از جهت مذهبی دولت آزادی ساخت مساجد و حسینییه ها حتی در مناطق و محله های سنی نشین را تضمین کرد، همچنین شیعیان برای جذب روحانیان و علماء از قم و نجف به جز در زمان جنگ ایران و عراق ممنوعیتی نداشتند برخلاف وضعیت شیعیان در برخی کشورهای مجاور که شیعیان از نبود آزادی برای انجام امور مذهبی خود رنج می برند. (المدیرس، ۱۹۹۹: ۱۰). شیعیان کویتی به لحاظ برخورداری از آزادی مذهبی در میان شیعیان بحرینی و شیعیان عربستان سعودی در جایگاه وسط قرار دارند، آن ها از این لحاظ نسبت به شیعیان عربستانی اول و در نسبت با شیعیان بحرینی در جایگاه دوم قرار دارند. (ناصر، ۲۰۱۱: ۱۵۹). حسینییه برای شیعیان کویت اهمیت وارزش زیادی دارد چرا که این مکان شبیه یک باشگاه اجتماعی، مدرسه و کتابخانه است که از آن برای احیای مناسبت های مذهبی مثل خاطره روز عاشورا در ماه محرم استفاده می شود، همچنین حسینییه نقش مهمی در جنبش های سیاسی مثل آنچه که در سال ۱۹۳۸ در کویت اتفاق افتاد و شیعیان اجتماعات اعتراض آمیزی را علیه مجلس قانون گذاری در داخل حسینییه برگزار کردند. همچنین حسینییه نقش مهمی در اجتماع شیعیان در سازمان های سیاسی دارد، همانگونه که از آغاز دهه ۵۰ در بحرین اتفاق افتاد و حسینییه به عنوان مرکز آغاز حرکت راه پیمایی و تحریک بسیج مخالفان سیاسی در برابر حکومت بود. (المدیرس، ۱۹۹۹: ۹). اما از بعد اقتصادی باید اذعان کرد که برخی از خانواده های شیعه از بزرگترین تاجران در زمینه اقتصادی و تجاری کویت شدند. از مهم ترین این خانواده ها: الوزان، بهبهانی، دشتی، معرفتی هستند. علاوه بر این شیعیان از تعلیم و آموزش در توسعه و بهبود اوضاع اجتماعی خود استفاده کرده اند. به گونه ای که دولت مرکز آموزش مجانی را تاسیس کرده که شیعه و سنی به طور مساوی

از آن بهره می‌برند (ناصر ، ۲۰۱۱ : ۱۵۱). وضع اقتصادی نقش مهمی در از بین بردن شکاف میان شیعیان و اهل سنت از جهت اجتماعی و فرهنگی داشت که شیعیان از توزیع ثروت نفتی استفاده کردند. در آغاز دهه ۵۰ کویت شاهد بهره‌برداری‌های کلان نفتی بود که به‌به‌بود سطح اقتصادی شهروندان کویتی کمک کرد، امری که زمینه را برای شیعیان فراهم کرد تا در امور اقتصادی فعالیت کنند، به طوری که بعضی خانواده‌های شیعه از بزرگترین طبقات تجاری کویت شدند، همچنین تحولات اقتصادی و اجتماعی که در آن زمان کویت شاهد آن بود به شیعیان فرصت داد که پست‌های مهم مدیریتی را در دولت عهده دار شوند و همچنین به توسعه و گسترش آموزش در کویت کمک کرد، امری که شیعیان و اهل سنت به طور یکسان از آن استفاده کردند و دولت آموزش رایگان را در تمام مقاطع تحصیلی از جمله تحصیلات عالی به فراهم کرد که به توسعه وضعیت اجتماعی و علمی کمک کرد (المدریس ، ۱۹۹۹ : ۹).

شیعیان و تجربه پارلمانی

ورود شیعیان به نخستین مجلس قانونگذاری کویت که در سال ۱۹۳۸ شکل گرفت ممنوع بود اما این ممنوعیت در ۱۹۶۲ و در پی استقلال کویت برداشته شد. در دوران حکومت جمال عبدالناصر بر مصر در دهه ۱۹۶۰ و رواج نوع انقلابی و ناصری ملیت‌گرایی عربی، تجار عجم بار دیگر برای کاستن از تأثیر ناصریسم که در حال گسترش به سوی کویت بود، از رژیم حمایت کردند. در واقع حمایت‌های پی‌در پی شیعیان از رژیم، خشم و غضب سنیان کویت (به ویژه لیبرال‌ها و چپ‌گراها) را که گاه به مقابله با قدرت‌خاندان الصباح یا سیاست‌های آن برمی‌خواستند برانگیخته است. به نوعی عملکرد مبارزه جویانه شیعیان کویت در دوران جنگ ایران و عراق جدی‌ترین تنش‌ها را بین جامعه شیعی و حکومت پدید آورد (فولر و فرانکه ، ۱۳۸۴ : ۳۲۰). در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ که بنا بر اکثر گزارش‌ها انتخاباتی آزاد و عادلانه بود، سه عضو شیعه برگزیده شدند. در ۱۹۹۶، پنج عضو شیعی به کرسی‌های پارلمان دست یافتند از جمله (برای نخستین بار) یک روحانی شیعه، دو اسلام‌گرای دیگر و دو شیعه غیر اسلام

گرا. برخلاف انتخابات ۱۹۹۲، رقابت های سال ۱۹۹۶ حساسیت های فرقه ای و نگرانی سنیان را درباره نامزدی اسلام گرایان شیعه که به ایران بسیار نزدیک قلمداد می شد برانگیختند. به ویژه پیروزی انتخاباتی سید حسین القلاف، روحانی شیعه ای که در قم تحصیل کرده است در مقابل یک شیعه سکولار و یک کاندیدای سنی، موجب شد سنی ها درباره بروز رقابت فرقه ای در کویت نگران شوند. به رغم برخی اختلافات فرقه ای که در زمان مبارزات انتخاباتی بروز کردند، تمامی شواهد حاکی از آن اند که رژیم، مردم و دیگر اعضای مجلس ملی، نمایندگان شیعه را در حیات سیاسی کویت سهیم می دانند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۵). در انتخابات پارلمانی ۱۵ تیرماه ۱۳۸۲، شیعیان توانستند پنج نماینده به مجلس بفرستند. جریان های شیعه، پنج نماینده به مجلس پنجاه نفری کویت فرستادند که کسب پنج کرسی از پنجاه کرسی پارلمان از سوی شیعیان، پیروزی سیاسی بزرگی در تاریخ حیات سیاسی کویت محسوب می شد و این، نگرانی مقام های کویتی را به دنبال داشت و این پیروزی که نتیجه نزدیکی و اتخاذ وحدت رویه جریان های شیعه در این کشور بود، مقام های کویتی را بر آن داشت تا تبلیغات از پیش برنامه ریزی شده ادعای دخالت ایران در امور داخلی آن کشور را مطرح کنند و مدعی شوند که ایران با تلاش در ایجاد وحدت میان جریان های شیعه، در صدد اخلال در امور جاری کویت است (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۱). نمایندگان شیعه در کویت با تمام وجود به فعالیت های پارلمانی مشغول اند و مجلس ملی محل مناسبی بوده برای ایجاد پیوند میان منتخبان در موضوعات عینی مختلف، بدون توجه به اختلافات ایدئولوژیک بالقوه آن ها. لذا جمعیت شیعی کویت برای برقراری تعادل بین امور سعی در کاستن از تردیدهای نهان حکومت و سنیان درباره وفاداری آنان، به دست آوردن رضایت خاطر خاندان الصباح و بهبود روابط خود با سنیان را دارد. در جریان بحث درباره اتخاذ شریعت اسلامی به منزله قانون اساسی کویت، اسلام گرایان شیعه با اسلام گرایان میانه رو سنی متحد شدند؛ هر چند در خصوص حق رای زنان که مورد قبول شیعیان است با سنیان اختلاف نظر داشتند. اسلام گرایان شیعه و سنی هر دو به طرح جداسازی زن و مرد در تحصیلات دانشگاهی رای مثبت دادند هرچند این طرح به تصویب نشد. همکاری میان فرقه ها هر چند به صورت محدود و تاکتیکی، نشان دهنده آن است

که اوضاع سیاسی کویت احتمالا به سمت اشکال مدرن همکاری پیش می رود که بر موضوعات سیاسی و منافع شخصی مبتنی اند و نه وفاداری های قومی و مذهبی. فراکسیون های اسلام گرا و لیبرال در مجلس ملی، هم عضو شیعه دارند و هم سنی و آشکارا مبنایی ایدئولوژیک دارند. تضعیف وفاداری های قبیله ای و مذهبی و جایگزینی آن ها با نگرش های معطوف به مسائل روزمره خطوط تمایز فرقه ای را کم رنگ ساخته، به سود شیعیان خواهد بود و نیز گفتگو میان شیعیان و سنیان را گسترش می دهد (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴ : ۳۲۷-۳۲۶). در حال حاضر شیعیان کویت سه وزیر، نه کرسی نمایندگی مجلس (از ۵۰ کرسی) و چند منصب حکومتی دیگر را در دست دارند و رابط آن ها با حکومت خوب است (کتاب کویت، ۱۳۹۰ : ۳۴).

گروه های شیعی سازمان یافته در کویت

۱- انجمن فرهنگی اجتماعی

در سال ۱۹۶۳ اولین سازمان مذهبی شیعه به صورت علنی در کویت ظاهر شد و شیعیان از فضای دموکراسی موجود که شیخ عبدالله سالم الصباح آن را اتخاذ کرده بود استفاده کردند، شیخ سالم الصباح از سال ۱۹۵۰ سیاست لیبرالی را دنبال کرد که به نیروهای سیاسی و اجتماعی اجازه می داد به بیان دیدگاه های خود از طریق اجتماعات و روابط مردمی بپردازند. شیخ عبدالله سالم این روند را در دوران پس از استقلال کویت از بریتانیا در سال ۱۹۶۱ تقویت کرد، و انجمن فرهنگی اجتماعی که در دوران استقلال شکل گرفت و شامل گروه های شیعیه مختلف می شد به عنوان هیئتی شبه سیاسی به شمار می رود و شیعیان آن را به عنوان یک رابط اجتماعی و مذهبی به کار بردند، علی رغم این که این انجمن به عنوان هیئت خیریه ثبت شده بود، مانند انجمن های عام المنفعه دیگر از قبیل انجمن اصلاحات اجتماعی، باشگاه استقلال فرهنگی و انجمن احیای میراث اسلامی که تحت عنوان انجمن های خیریه و فرهنگی تاسیس شده بودند اما در واقع به مثابه واسطه های مذهبی و اجتماعی برای انجمن ها و فعالیت های سیاسی بود. اهداف انجمن فرهنگی اجتماعی نام برده عبارت است؛ بالابردن و گسترش آگاهی فرهنگی،

اجتماعی، آموزشی و تربیتی، و راهنمایی دینی. تعداد اعضای انجمن فرهنگی اجتماعی تا سال ۱۹۸۵، به ۹۰۰، عضو فعال رسید. از زمان تأسیس "انجمن فرهنگی اجتماعی" در اوائل دهه شصت فعالیت این انجمن محدود شد به تقاضای ساخت مساجد و حسینیه های شیعه بیشتر، و اعضای جمعیت در هیچ نوع فعالیت سیاسی شرکت نکردند همچنین در امضای هیچ بیانیه سیاسی مرتبط با اوضاع محلی و ملی شرکت نکردند و موضع آنها موضع تماشاگر بود. (المدریس، ۱۹۹۹: ۱۶ - ۱۵).

۲- جماعت شیرازی:

این جماعت به تبرک از اسم بنیان گذار آن سید محمد شیرازی، "جماعت شیرازی" نام گرفت که پس از تبعید از عراق به کویت در دهه هفتاد میلادی فعالیت خودش را شروع کرد. شیرازی به عنوان پدر معنوی سازمان کار اسلامی در عراق به شمار می رود. جریان شیرازی یک جریان عاطفی به شمار می رود و اکثر مقلدان آن از اعضای مؤسس انجمن فرهنگی اجتماعی هستند که پس از انقلاب اسلامی ایران از انجمن بیرون آمدند و به جماعت شیرازی پیوستند. شیرازی به عنوان عنصر فعال به شمار می آید که توانست بعضی از عناصر فعال شیعه را از طریق مسجد شیرازی در منطقه بنید القار و حسینیه رسول اعظم در منطقه دعیه سازمان دهی کند و این که این جماعت به مثابه مراکز تجمع و جذب محسوب می شود. جماعت شیرازی از شیوه فعالیت های فرهنگی و مذهبی برای جذب جوانان شیعه به صفوف خود استفاده کردند که در این امر موفق شدند. اختلافات میان جماعت شیرازی و جریان انجمن فرهنگی اجتماعی به عرصه دانشگاهی کویت وارد شد، امری که موجب تقسیم دانشجویان به طرفداران و مخالفان این دو گروه و جماعت شد، و به همین دلیل دو دسته دانشجویی شکل گرفت که گروه های دانشجویی شیعه را تشکیل می داد: "دسته آزاد اسلامی" که بیشتر پیروان آن از جماعت انجمن فرهنگی اجتماعی بودند و "دسته آزاد" که شامل دانشجویان شیعه حامی جماعت شیرازی بود.

جماعت شیرازی نتوانست شیعیان کویت را تحت کنترل خود در بیاورد و این امر بنا به دلایل زیر بود:

- ۱- تمرکز جماعت شیرازی بر اختلافات خودشان با جماعت انجمن فرهنگی اجتماعی که این مسئله منجر به دودستگی و اختلاف و تبادل اتهامات میان دو گروه شد.
- ۲- پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف به دلیل توسعه آبادانی و شهرنشینی، بویژه در منطقه بنید القار که بیشتر ساکنان آن از شیعیان پیرو جماعت شیرازی بودند.
- ۳- اختلافاتی که میان آن‌ها و جماعت سید خوئی در باره مسئله علمیت، اجتهاد و وحدت مرجعیت دینی بوجود آمد.
- ۴- اخراج بنیان گزار جماعت سید محمد شیرازی از کویت در اوائل دهه هشتاد هنگامی که مقامات امنیتی بعد از ترور برادرش حسن شیرازی در لبنان از وی خواستند کویت را ترک کند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۱۸-۱۷).

تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های شیعیان کویت

جنبش‌های شیعی که نوع خاصی از جنبش‌های اسلامی به شمار می‌آیند از جمله فراگیرترین و موثرترین حرکت‌های مردمی هستند که در راستای احیا و استقرار اندیشه‌های تشیع و مبارزه با حکومت‌های فاسد زمان که آنان را غاصب حاکمیت اسلامی می‌دانند به پا خواسته‌اند و محرومیت‌های اقتصادی و سیاسی که بر شیعیان اعمال شده، عاملی مهم در تسریع این حرکت‌ها به حساب می‌آید (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۸). همجواری جغرافیایی، قرب تاریخی و دینی ایران با کشورهای عربی از علل کلی تأثیرگذاری ایران بر دیگر کشورهاست. در تعامل انقلاب اسلامی با کشورهای عربی جریانات ذیل نقش مانع یا تشدید کننده را ایفا کرده‌اند: ۱- مساله قدس و فلسطین ۲- منازعات اعراب و اسرائیل ۳- شیعه - سنی و عربی - عجمی بودن مسائل ۴- برتری جویی اعراب به لحاظ خاستگاه تاریخی و جغرافیایی اسلامی ۵- مرکز بودن عربستان برای بعثت و مکه و مدینه ۶- موقعیت استراتژیک خاورمیانه عربی و حضور و رقابت جدی قدرت‌های بزرگ ۷- مقوله نفت ۸- رقابت دیر پای مذهبی، سیاسی و نفتی ایران، عراق و عربستان. (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۷۱) از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی کسانی بودند که عنوان می‌کردند: «ما انقلاب را صادر نمی‌کنیم» و یا «انقلاب صادر کردنی

نیست» اما امام فرمودند: «ما انقلابمان را به همه جهان صادر می‌کنیم». (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۳۰). به طور کلی عواملی وجود داشت که موجب صدور انقلاب اسلامی می‌شد از آن جمله می‌توان به: نفت، حج و حمله عراق اشاره نمود. (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۴). لذا انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطفی در شکل‌گیری رابطهمیان شیعیان و حکومت درکویت بوده و شاید از موارد مهمی که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد تشکیل هیئتی از روحانیان و رهبران شیعه است، این هیئت در حالی برای تبریک به امام خمینی عازم تهران شد که رهبران سنی از این هیئت کنار گذاشته شدند با وجود اینکه مواضع آنها در تایید و حمایت از انقلاب بود. (یاسین، بی تا: ۶۲۲). با استقرار انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت الله خمینی این انقلاب شروع به رهبری مراکز شیعه در جهان عرب و تثبیت یک روحیه انقلابی و دشمنی با رژیم‌های محافظه کار و مذهب رسمی را نمود. این امر در تجمعات شیعیان در شبه جزیره عربستان و خلیج فارس انعکاس یافت، در کویت شیعیان به دو جریان تقسیم شدند: جریان محافظه کار که شامل طبقات مرفه از تجار می‌شد و از طریق منافع مشترک با حکومت مرتبط بود، و هدف این جریان ایجاد برخی اصلاحات اجتماعی برای بهبود وضع مذهبی - اجتماعی در جامعه کویت بود. و جریان شیعه انقلابی که با عضویت جوانان شیعه و بخصوص از کسانی که از طبقات و گروه‌های پایین و متوسط جامعه بودند تشکیل شد، این جریان خواهان سرنگونی رژیم محافظه کار و تبدیل آن به رژیم جمهوری اسلامی از طریق الگوبرداری از رژیم ایران بود (المدرس، ۱۹۹۹: ۲۲).

قدر مسلم اگرچه شیعیان کویت مانند هم‌تایان خود در عربستان سعودی و بحرین در حاشیه و انزوا نبودند و تحت آزار و اذیت قرار نگرفته بودند اما جذب رویکردهای انقلاب اسلامی ایران شدند و تحت تاثیر آن قرار گرفتند و این مسئله دوعلت دارد:

۱- عامل اول این است که نسبت عربی شیعیان کویت بر اساس غلبه اصالت ایرانی بر آن مورد شک و تردید جریان ملی‌گرای عرب بود، به همین دلیل آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به منزله ضربه‌ای بر جریان ملی‌گرا که بعد از شکست ۱۹۶۷ وضعیت وخیمی داشت دانستند.

۲- عامل دوم موضع حکومت کویت درباره انقلاب اسلامی ایران بود که بر ضد آن ایستاد و بعد از آن با تمام قوا از عراق در جنگ با ایران حمایت کرد. (ناصر ، ۲۰۱۱ : ۲۱۳). نتیجتاً باید گفت : انقلاب اسلامی ایران روحیه انقلابی را در میان شیعیان کویتی انتشار داد به خصوص در بین قشر جوان و ترغیب آن ها به شرکت در تظاهراتی که از خانه سید عباس مهري نماینده معنوی آیت الله خمینی در کویت به سمت سفارت ایران آغاز شد و در آن پرچم شاهنشاهی از ساختمان سفارت پایین کشیده شد و پرچم دیگری که روی آن عبارت الله اکبر نوشته شده بود برافراشته شد. این تظاهرات اولین حرکت مردمی به شمار می رود که خواستار رهبری دینی شیعیان در کویت از سال ۱۹۳۸ بود و این حرکت سیاسی نشان دهنده یک نوع جهش کیفی برای شیعیان بود بویژه اینکه این تظاهرات منجر به درگیری شیعیان و نیروهای ویژه امنیتی شد که تلاش می کردند مانع تظاهرات بشوند و تعدادی از شرکت کنندگان در آن را دستگیر نمایند. پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، سید عباس مهري سرپرستی هیئت مردمی که شامل تعدادی از رهبران انجمن فرهنگی اجتماعی و برخی از روزنامه نگاران به منظور دیدار از ایران می شد را برعهده داشت، این هیئت تبریک و حمایت خودش را نسبت به انقلاب اسلامی ایران ابراز کرد و با آیت الله خمینی رهبر انقلاب در تهران دیدار کرد (المدرس ، ۱۹۹۹ : ۲۲). جریان های شیعی کویت را می توان امتداد جریان های شیعی ایران، عراق و عربستان و گاه لبنان دانست. در سال های اخیر، همگرایی های گروه های شیعی داخل کویت بیشتر از واگرایی های آنان بوده است (کتاب کویت ، ۱۳۹۰ : ۳۵)

جنگ عراق و کویت و نقش ملی شیعیان

عراق چندین مرتبه در صدد ضمیمه کردن کویت به خاک خود برآمده است. حتی یک بار در ۱۸۰۳ ، آن را به اشغال خود درآورد. عربستان سعودی نیز دو بار در جریان جنگ جهانی اول و دوم در صدد تصرف کویت برآمد اما با مخالفت بریتانیا روبه رو شد. مرزهای کویت و عربستان سعودی تا ۱۹۲۲ نامعلوم بود و این امر موجب درگیری های شدیدی بین قبایله های متخاصم بر سر حقوق چراگاه های واقع میان دو کشور شده بود. (مذاکرات

دو کشور به انعقاد قرارداد عقیر در سال ۱۹۲۲ (انجامید) به موجب این معاهده مرزهای دو کشور تعیین و یک «منطقه بی طرف» نیز به وسعت ۲۲۰۰ مایل مربع (۵۶۹۸ کیلومتر مربع) ایجاد شد. منطقه بی طرف به خاطر دسترسی آزادانه قبیله های دو کشور به منابع آب و چراگاه های این منطقه به وجود آمد. اما بعدها به علت کشف نفت بر اهمیت آن افزوده شد (جعفری ولدانی ، ۱۳۷۴ : ۱۸۷). سرانجام در سال ۱۹۶۵، موافقت نامه ۱۹۲۲ لغو و این منطقه بین دو کشور تقسیم شد (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۹). در این میان انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطفی در رابطه شیعیان کویت با حکومت از یک طرف و رابطه آن ها با جامعه سنی از طرف دیگر بود. اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰ نقطه عطف مهمی در این رابطه بود؛ و با توجه به این که شیعیان کویت توانایی مالی کمتری داشتند و توجهشان به غرب نیز کمتر بود ، به همین دلیل آن ها در حدود نیمی از جمعیت کویت را در هنگام حمله تشکیل می دادند که در فصل تابستان اتفاق افتاد، یعنی در زمانی که معمولاً کویتی ها از دست گرما به خارج از کشور فرار می کنند و به همین سبب نقش آن ها در مقاومت در برابر تهاجم عراق که تعداد زیادی از آنان در این مقاومت کشته شدند زیاد بود، هنگامی که آنان میهن دوستی زیادی را در دفاع از کشورشان در برابر اشغال نشان دادند در حالی که هنوز به آن ها وادغام مجددشان در جامعه با دیده شک و تردید نگریسته می شد و به همین دلیل شیعیان دوباره به وضعیت سابقشان که قبلاً از سال ۱۹۷۹ در آن قرار داشتند برگشتند . و شاید آنچه که باعث تقویت رابطه شیعیان و رژیم کویت در این دوران شد این است که روابط کویت و ایران تحت موضع گیری ایران در مخالفت و انتقاد از حمله عراق به کویت، رحلت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و رئیس جمهور شدن هاشمی رفسنجانی که اهمیت زیادی را به رابطه با کشورهای همسایه ایران می داد، و تجدید نظر در صدور انقلاب اسلامی به عنوان اولویت برنامه های ایران، صدور انقلاب اسلامی به عنوان این که یکی از اهداف گسترده سیاست خارجی ایران از زمان انقلاب بود، به طور کامل کنار گذاشته نشد (ناصر ، ۲۰۱۱ : ۲۱۹ - ۲۱۸) لذا در زمان اشغال کویت به دست قوای عراقی، شخصیت های برجسته شیعه و سنی برای چانه زنی با خاندان حاکم الصباح، که در آن زمان به عربستان سعودی پناه برده بودند، با یکدیگر متحد شدند و درباره احیای

قانون اساسی و پارلمان، پس از آزادسازی کویت به مذاکره پرداختند (فولر، فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۱). با وجود نقش مهمی که شیعیان در مقابل اشغال کویت توسط عراق ایفا کردند اما عده ای هستند که این اقدام شیعیان را به روحیه وطن دوستی آن ها مرتبط نمی دانند بلکه سعی می کنند که موضع آن ها را از جهت فرقه ای تفسیر کنند که صدام حسین و رژیم او دشمن مشترک کویت و شیعیان بود و به علاوه دشمنی او با ایران که حوزه علمیه قم در آن واقع شده بود دلیل ایفای نقش شیعیان کویت در زمان اشغال کویت توسط عراق بود (ناصر ، ۲۰۱۱ : ۲۱۹) عواملی که منجر شد شیعیان کویت در مقابل صدام حسین بایستند و نیز موضع گیری شیعیان علاوه بر رابطه حکومت با آن ها، بعد ها در نقش و موقعیت آن ها در جامعه تاثیر گذاشت که می توان آن ها را در ذیل بیان کرد:

* نزدیکی و همگرایی که بعد از آزادی کویت بین شیعه و سنی بوجود آمد، خود را از طریق بسیاری از جنبه های هماهنگی بین آنها به منظور ایجاد یک چشم انداز واحد برای آینده کویت نشان داده است، بطوری که اتحاد ملی اسلامی شیعه که بعد از آزادی کویت تشکیل شد و بسیاری از نیروهای نیروهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی شیعه را دربرمی گرفت در سال ۱۹۹۱ با نیروهای سیاسی دیگر در کمیته دائم برای رهبری اقدامات مردمی به منظور تدوین چشم اندازی برای ساختن کویت شرکت کردند که این کمیته چشم انداز این نیروها را برای آینده سیاسی کویت پس از پایان دوره اشغال معین کرد (ناصر ، ۲۰۱۱ : ۲۱۹)

* در چارچوب تحول سیاسی که بعد از حمله عراق به کویت ایجاد شد، طرفداران شیعه دولت کاهش یافتند درحالی که جریان مورد حمایت ائتلاف ملی اسلامی و یکپارچه در جنبش سیاسی عمومی که پس از اشغال خواستار اصلاحات سیاسی بود شکل گرفت و این مسئله به وضوح درانتخابات شورای ملی در اکتوبر ۱۹۹۲ خود را نشان داد، به طوری که ائتلاف ملی اسلامی با چهل نامزد در این انتخابات شرکت کرد و از برخی نامزدهای دیگر حمایت کرد، که دو تن از نامزدهای این جریان و دو تن از نامزدهای مورد حمایت آن به پیروزی رسیدند ، در حالی که تمامی نامزدهای شیعه طرفدار دولت در رسیدن به کرسی های مجلس شکست خوردند (المذیرس ، ۱۹۹۹ : ۴۳).

* در این مرحله شیعیان مانند دیگر تجمعات سیاسی شیوه مسالمت آمیزی را در قبال حکومت در پیش گرفتند و این امر در چارچوب احساس یک وضعیت دشوار بود که کشور پس از آزادسازی آن را تجربه کرده بود و همچنین احتیاط و اجتناب از اختلافات و هر گونه مسئله سیاسی که ممکن بود مانع روند بازسازی و سازندگی کویت شود، اما برخی دلیل این شیوه برخورد مسالمت آمیز شیعیان با حکومت را به نقش داشتن آن‌ها در مجلس و دولت، مدیریت پروژه‌های اقتصادی کلان، و سطح بالای زندگی و معیشت آن‌ها در مقایسه با وضعیت شیعیان در کشورهای مجاور به ویژه در بحرین و عربستان سعودی می‌دانند. با وجود وارد شدن برخی از شیعیان کویت در صف مخالفت با رژیم اما آن‌ها در بسیاری از مواقع شیوه مخالفت نرم‌تری را در قبال حکومت در پیش گرفتند.

* طی سال‌های بعد شیعیان نمایندگی خود را در مجلس حفظ کردند، و حضورشان در دولت ادامه یافت و هیچ وزارت خانه‌ای برای ورود وزیران شیعه مانع یا مزاحمتی ایجاد نکرد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۰).

روابط شیعیان و دولت کویت

کویت‌یی‌ها، حدود سی تا چهل درصد شیعیان «امامی» یا پیرو خط امام اند (خط الامام). آنان از تعالیم آیت الله خمینی و نظریه او درباره اداره حکومت اسلامی به دست روحانیون (ولایت فقیه) پیروی می‌کنند لذا آنان اسلام‌گرایان محافظه‌کاری هستند که در مقایسه با دیگر شیعیان، ارتباط قوی‌تری با حکومت ایران دارند. رهبران گروه پیرو خط امام کویت روابط مستحکمی با نهادهای مذهبی ایرانی در قم و تهران دارند و این امر موجب شده است که کویتی‌ها دیدگاه این گروه را مترادف با سیاست رسمی ایران بدانند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۶). اتحاد بین حکومت و شیعیان بعد از استقلال حتی بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م. ادامه یافت به ویژه بعد از این که آن‌ها در نهادهای دولتی صاحب نماینده شدند به طوری که شیعیان از ۲۰ نماینده مجلس تأسیسی که در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۶۱ بعد از استقلال کویت از بریتانیا تشکیل شد ۲ نماینده داشتند. وظیفه این مجلس، نوشتن پیش نویس قانون اساسی برای کشور بود

همچنین قانون حق رأی و نامزدی برای همه کویتیان بدون در نظر گرفتن تعلقات فرقه ای را تصویب کرد. واین به شیعیان اجازه داد که در مجلس نمایندگان حضور داشته باشند. اولین انتخابات براساس قانون اساسی جدید در سال ۱۹۶۳ برگزار شد و شیعیان ازاین تاریخ در مجلس ملی و دولتی به تعداد مختلف نماینده داشته اند (ناصر ، ۲۰۱۱ : ۲۰۸). اتحاد شیعیان و حکومت در موارد زیر بیشتر نقش خود را نشان داد:

* هنگامی که ملی گرایان عرب در دهه ۹۰ میلادی به عنوان تهدیدی برای آل صباح درآمدند، شیعیان پشتیبان آن ها بودند و در این زمینه گرایشات ملی گرایانه شیعیان و به اعتبار این که آن ها ایرانیان فارس هستند و عرب نیستند موثر بود، بویژه این که بخش بزرگی از شیعیان کویت ایرانی تبار هستند (المدیرس ، ۱۹۹۹ : ۱۸). هنگامی که حکومت کویت خطر جریان ملی گرایان را برضد خودش احساس کرد به تقویت رابطه خود با جریان اسلامی غیر افراطی و غیر فعال در زمینه سیاسی پرداخت و در این چهارچوب نقش انجمن فرهنگی اجتماعی شیعه که در سال ۱۹۶۳ تاسیس شده بود برجسته شد (الغبرا ، بی تا : ۱۱۳ - ۱۱۰). در این میان موضع شیعیان کویتی که در برخورد با جریان ملی گرایان در کنار حکومت ایستاده بودند مخالف موضع همتایان خود در بحرین و عربستان سعودی بود که به حد زیادی وارد جریان های ملی گرا شده بودند (ناصر، ۲۰۱۱ : ۲۰۹).

* بخش اعظم شیعیان در پارلمان کویت از زمان استقلال کویت تا انقلاب اسلامی ایران جزء مخالفان حکومت نبودند بلکه جزئی از دوستان حکومت بودند (المدیرس ، ۱۹۹۹ : ۱۹). باوجود این که مشخصه رابطه بین شیعه و نظام حاکم در کویت تا وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ همان اتحاد و آرامش بود اما این امر به معنای وجود برخی نیروهای شیعه که در کنار حکومت نبودند نیست، که می توان به مهم ترین آن ها در زیر اشاره کرد:

* حزب دعوت اسلامی: سال ۱۹۵۷ بوسیله سید محمد باقر صدر در عراق تاسیس شد و همان گونه که قبلا به آن اشاره شد تلاش کرد تا شعبه های آن را در کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد کند. در مقایسه با آنچه که در عربستان سعودی و بحرین روی داد و این حزب در آن دو کشور به صورت کاملا مخفیانه به فعالیت پرداخت ، فضای باز کویت به فعالیت نسبی این حزب در انجا به صورت علنی کمک کرد، به جز اینکه اعضای آن

پس از متهم شدن حزب به دست داشتن در بمب گذاری هایی که طی دهه ۸۰ میلادی در کویت رخ داد، تحت تعقیب نیروهای امنیتی دولت قرار گرفتند.

* حزب جنبش اسلامی: پس از استقلال کشور در سال ۱۹۶۲ به شکل مخفیانه شکل گرفت، واز بارز ترین بنیان گزاران آن سید احمد مهری بود و خط مشی سیاسی شبیه به آنچه که امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران پیاده کرده بود اتخاذ می کرد، اما این حزب به مدت طولانی دوام پیدا نکرد و بعد از این که اسم آن به حزب اسلامی تغییر کرد از صحنه محو شد. (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۰).

* انجمن فرهنگی اجتماعی: در سال ۱۹۶۳ شکل گرفت و اولین حضور علنی سازمان های شیعه بود که از جهت گیریهای بازامیر کویت در آن زمان استفاده می کرد (فتحی، ۲۰۰۶: ۱۸۷). وبا وجود این که انجمن با نام انجمن خیریه غیردولتی ثبت شده بود اما شبیه یک سازمان سیاسی بود چرا که شیعیان آن را به عنوان واسطه ای برای فعالیت های سیاسی غیرعلنی خود قرار داده بودند به طوری که انجمن سرپوشی برای کارهای حزب دعوت و فعالیت های آن بود و به همین خاطر بر اعضای حزب " خط انجمن فرهنگ " اطلاق می شد اما در سطح عمومی و علنی فعالیت انجمن محدود به خواسته های آن مبنی بر ایجاد مساجد و حسینیه های بیشتر برای شیعیان شد و در هیچ فعالیت سیاسی شرکت نکرد. اما بعد از انقلاب اسلامی ایران شروع به فعالیت سیاسی به شکل علنی کرد، که نقش این انجمن در جنبش مسجد شعبان که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت معلوم شد. و در دهه ۸۰ میلادی بعضی از اعضای انجمن به دست داشتن در خشونت هایی که در کشور روی داد متهم شدن و در سال ۱۹۸۹ حکومت انجمن را تعطیل کرد.

* جنبش رسالین پیشناز: در سال ۱۹۶۸ در کربلای عراق بوسیله سید محمد شیرازی تاسیس شد، و عبارت بود از تجمع نیروهای مذهبی شیعه در عربستان سعودی، بحرین، عراق، عمان، و کویت. این جنبش روش انقلابی اتخاذ کرده بود که خواستار تغییر ساختار حکومت بود.

* جماعت شیرازی: منتسب به سید محمد شیرازی است که سال ۱۹۲۸ در شهر نجف اشرف عراق به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۱ در شهر قم ایران از دنیا رفت. و در ایران با امام

خمینی مخالفت نموده و از نظریه " ولایت فقیه " انتقاد کرد و آن را نظریه دیکتاتوری دانست و نظریه دیگری در رابطه با حکومت شیعه مطرح کرد که همان نظریه " شورای فقها " است که در فصل اول این بررسی به آن اشاره شد. شیرازی در اوئل دهه ۸۰ از کویت تبعید شد و به ایران رفت و در قم زندگی کرد تا این که از دنیا رفت.

* گروه رسمی جوانان: در اوائل دهه ۷۰ قرن بیستم تشکیل شد و خواستار افزایش تعداد نمایندگان شیعه در مجلس ملی شد و هدفش آگاه کردن فرزندان شیعه به اهمیت کار به منظور محقق شدن منافع جامعه شیعه از طریق کانال های مندرج در قانون اساسی و قانون بود، اما فعالیت این گروه بعد از اینکه بعضی اعضای آن مهاجرت کردند و به سازمان های شیعه دیگر پیوستند مدت طولانی ادامه پیدا نکرد .

* انجمن شنبه: عبارت بود از سازمان غیررسمی که علماء شیعه را در برمی گرفت و در نیمه ۷۰ میلادی قرن بیستم تشکیل شد و هدفش متحد کردن علماء ، رسیدگی به مشکلات جامعه شیعه و حمایت از نامزدهای شیعه در انتخابات همگانی بود.

* جوانان قانون اساسی ملی: در سال ۱۹۷۴ توسط خالد خلف تاسیس شد که گرایش ملی گرایانه داشت و ارتباط قوی با جنبش ملی گرایان عرب و مصطفی صراف داشت که در صف جنبش ملی گرایان عرب بود. و تاکید شده بود که این گروه، شیعه ملی گرای مطلق است و اهدافش مبتنی بر تفکیک قوا ، وحدت ملی و توسعه دموکراسی است. اما فعالیت این گروه پس از انتخابات مجلس ملی در سال ۱۹۷۵ که در آن شرکت کرد و یکی از نامزدهایش توانست بر نامزد شیعه دیگر که از طرفداران حکومت بود پیروز شود تمام شد (ناصر ، ۲۱۲ - ۲۱۱).

نتیجه گیری

گسترش مذهب شیعه درون ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و... کویت در طول تاریخ، زمینه نفوذ شیعیان در کارکردهای سیاسی جامعه کویت را فراهم نموده است. لذا جنبش های اجتماعی در کویت نقش به سزایی در قدرت یابی شیعیان در ساختار های سیاسی کویت داشته است.

انقلاب اسلامی ایران علاوه بر تاثیر گذاری بر کشورهای مختلف جهان ، توانست بیشترین و عمیق ترین تاثیر را بر کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس و خصوصا شیعیان این کشورها گذاشته و موجبات تحرک و تحول گروه های اسلامی و خصوصا گروه ها و دسته جات شیعی فراهم گردد به گونه ای که شیعیان کویت با تاثیر پذیری از انقلاب اسلامی ایران به دنبال ، ایفای حقوق مدنی و سیاسی خویش برآمدند و همین امر موجبات افزایش نقش شیعیان در روند مسائل سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کویت را فراهم نمود. البته باید توجه داشت که حمله عراق به کویت نیز به نوعی باعث افزایش فعالیت گروه های شیعه گردید زیرا این حمله نه تنها واکنش مجامع جهانی را بر انگیخت ، بلکه شیعیان کویت نیز در این زمینه اعتراضاتی کرده و با مقاومت در برابر اشغالگران از سرزمین خود دفاع کردند.

منابع:

- المدرس ، فلاح عبدالله : ملامح اولیه حول نشات التجمعات و التنظيمات السياسيه فى الكويت ١٩٣٨ - ١٩٧٥ : الكويت . دار قرطاس . ١٩٩٩
- الغبراء، شفيق : الكويت : دراسه فى آليات الدوله القطريه و السلطه و المجتمع المدنى، قاهره ، مركز ابن خلدون للدراسات الانمانيه، دار الامين ، بى تا
- المدرس ، فلاح عبدالله : الحركه الشيعيه فى الكويت ، الكويت ، دار قرطاس ، ١٩٩٩ م.
- استنديش، جان: ايران و خليج فارس؛ دور نما و چشم انداز آينده، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادى، چاپ اول، تهران، نى، ١٣٨٣
- جعفرى ولدانى، اصغر: تحولات مرزها و نقش ژئوپليتيك آن در خليج فارس، چاپ اول، تهران، قومس، ١٣٧٤
- فتحي ، ممدوح انيس : الامن القومى الايرانى :مصادر التهديد و آليات المواجهه ، ابوظبى ، انتشارات ممدوح انيس فتحي ، ٢٠٠٦
- حسينى ، سليم : عالمان شيعه روياروى استعمار ، ترجمه محمد هادى باسخواه ، چاپ اول ، مشهد ، انتشارات آستان قدس رضوى ، ١٣٧٨

- حشمت زاده ، محمد باقر : تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی ، تهران ، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، ۱۳۸۵
- حافظ نیا ، محمد رضا : خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات کیهان ، ۱۳۷۱
- حیدری، علی حسن: «شیعیان در کویت»، روزنامه صبح صادق، ش ۱۵۲، ۴ خرداد ماه ۱۳۸۳، ص ۱۱
- سعید، نعمت: النظم السياسيه فی الشرق الاوسط، ط ۱ ، بغداد، شرکه الطبع و النشر الاهلیه، ۱۹۶۸
- سیفی، حسن: آشنایی با کشور کویت، چاپ اول، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، ۱۳۸۶
- فیلی رودباری ، لواء : کویت (کتاب سبز) ، تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، ۱۳۳۵ ،
- فاضلی نیا ، نفیسه : ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی ، قم ، انتشارات شیعه شناسی ، ۱۳۹۱
- فولر، گراهام و فرانکه، رند رحیم: شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، چاپ اول، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۴
- کریستال، جیل: نفت و سیاست در خلیج فارس؛ حکومتگران و بازرگانان در کویت و قطر، ترجمه ناهید اسلامی و شاپور جورکش، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷
- کویت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه: تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۹۰
- کاظمی دینان ، مرتضی :علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس (عربستان سعودی ، بحرین ، کویت) ، قم ، شیعه شناسی ، ۱۳۸۸
- گروه تحقیق مرکز مطالعات و پژوهش های کویت: کویت از پیدایش تا بحران، ترجمه و ویزایش از موسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام، چاپ اول، تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۱



-متقی زاده، زینب: جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، قم، مؤسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۴

-ناصر، شحاته محمد: سياسات النظم الحاكمه فى البحرين و الكويت و السعوديه فى تعامل مع المطالب الشيعيه، بيروت، مركز دراسات الواحده العربيه، ۲۰۱۱ م.
-ياسين، بوعلى و باروت، محمد جمال و طياره، محمد نجاتي: الاحزاب و الحركات القويه العربيه، بی جا، المركز العربی للدراسات الاستراتيجيه، بی تا.